علم اصول الفقه

۲۷ -۷-۱۴۰۵ القسم الثانی:الحجه

على النظام

۱۲

دراسات الاستاذ:

مهدي الهادوي الطهراني

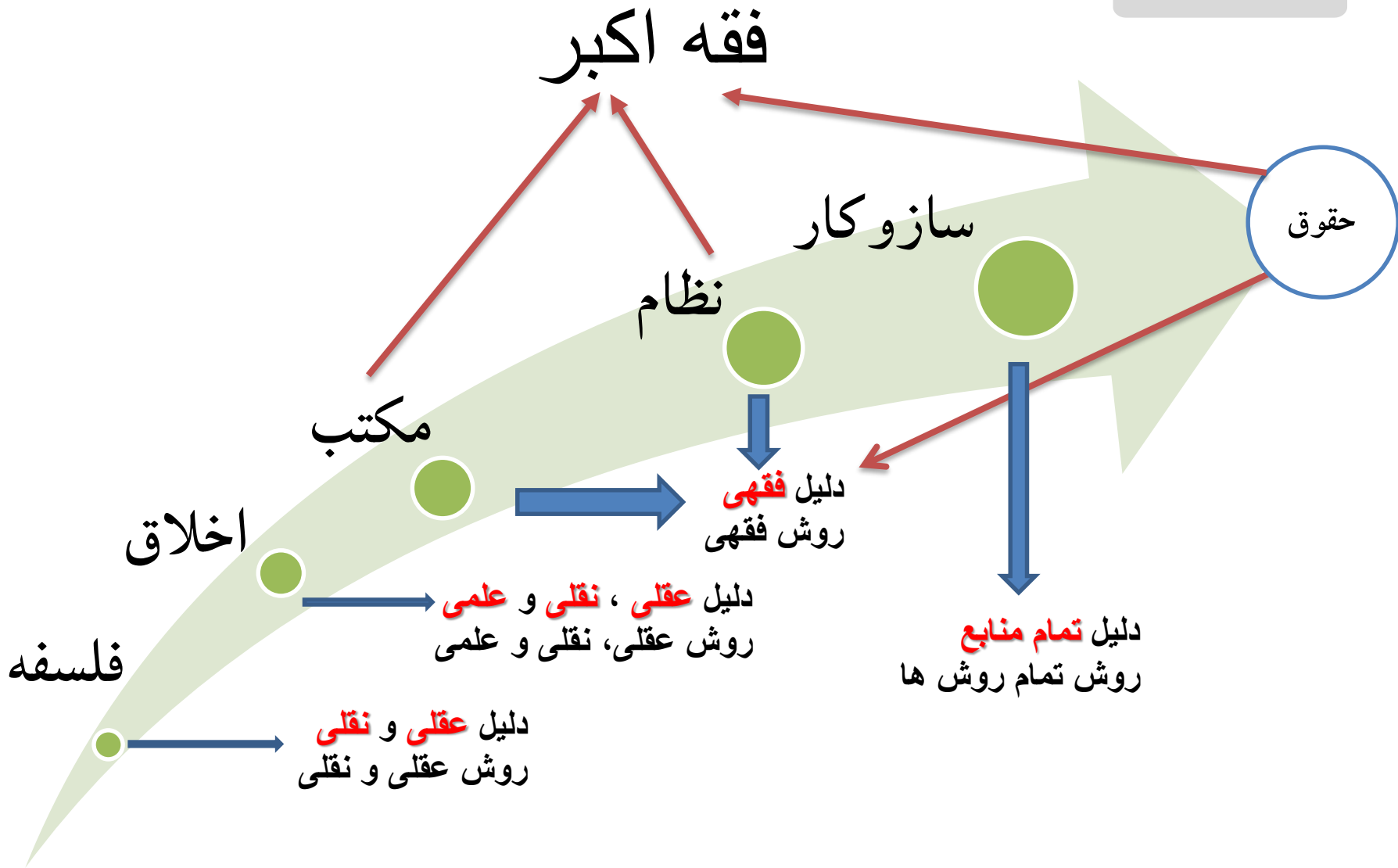

نظریه اندیشه مدون(سیستمی) در اسلام

امضایی یا تأسیسی بودن عناصر نظام

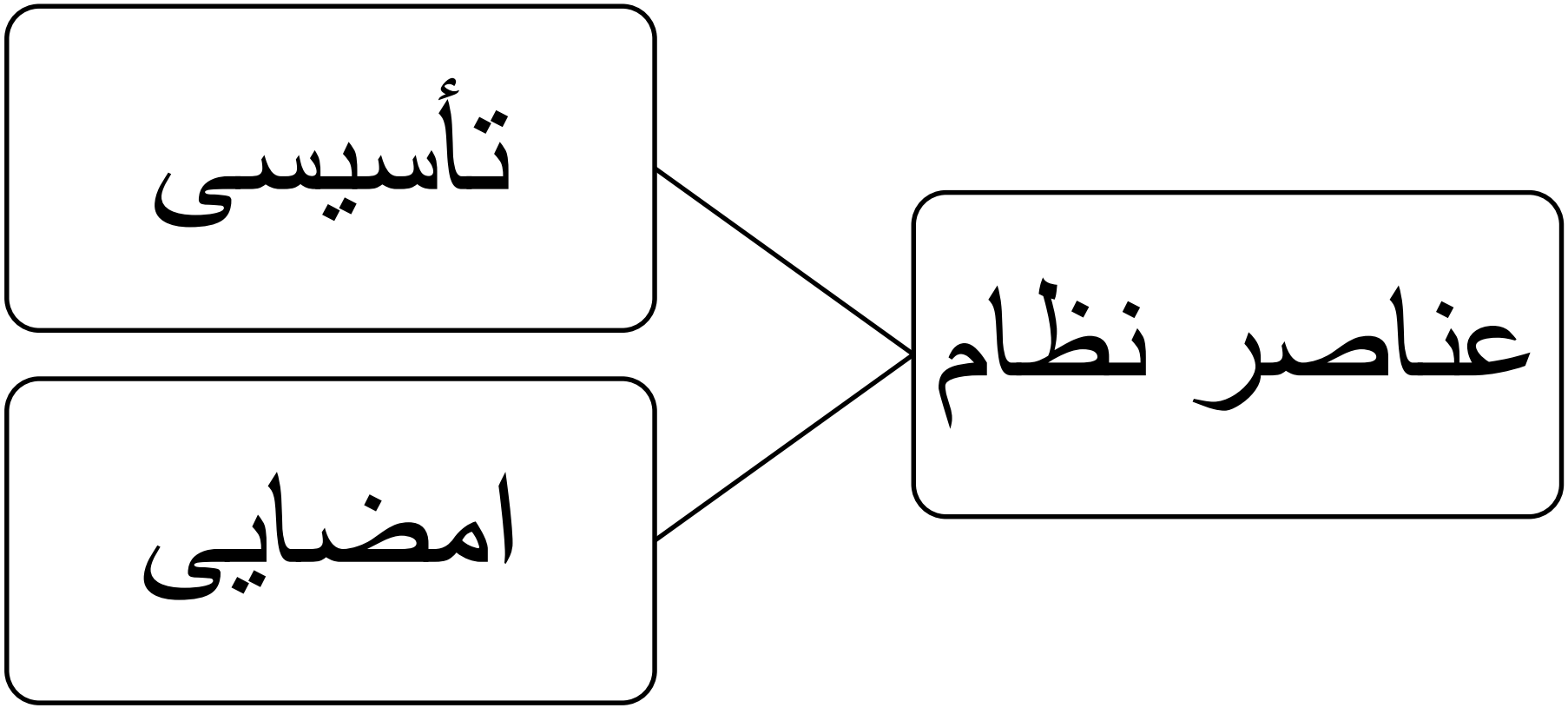

نظریه اندیشه مدون در اسلام

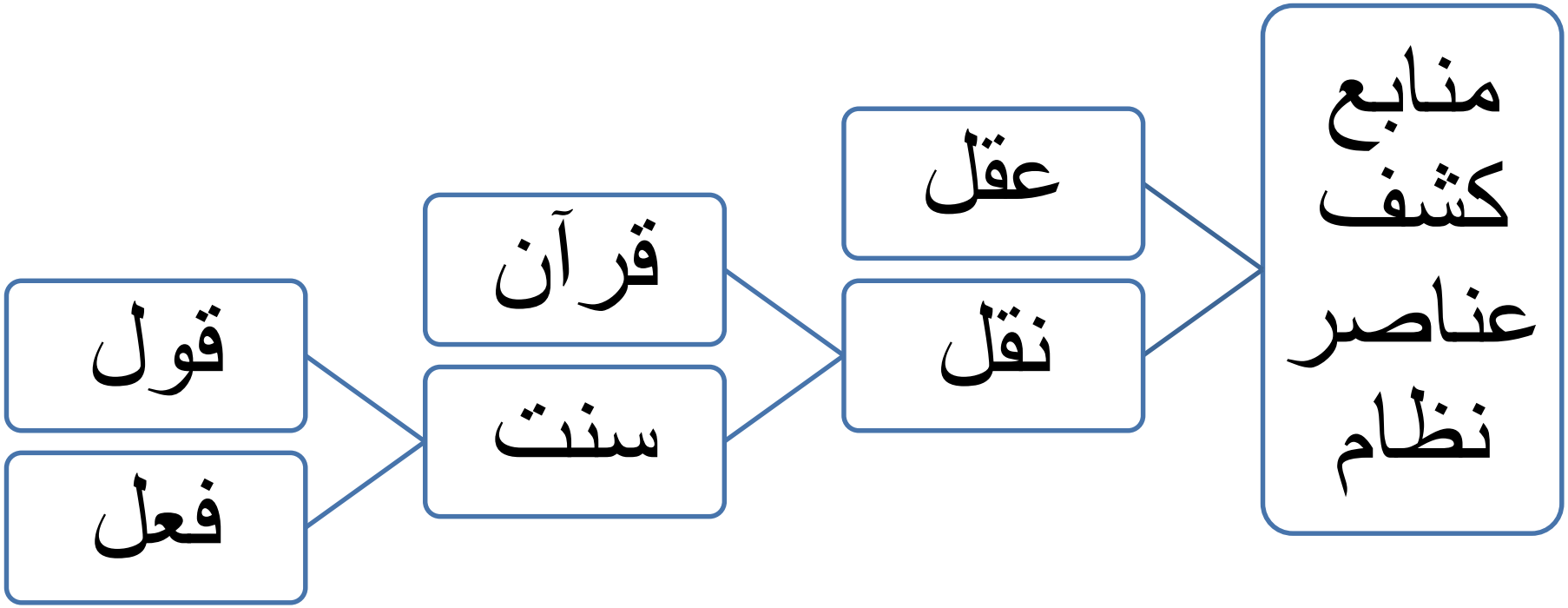

قوانین؛ لایهٔ پیدای دین

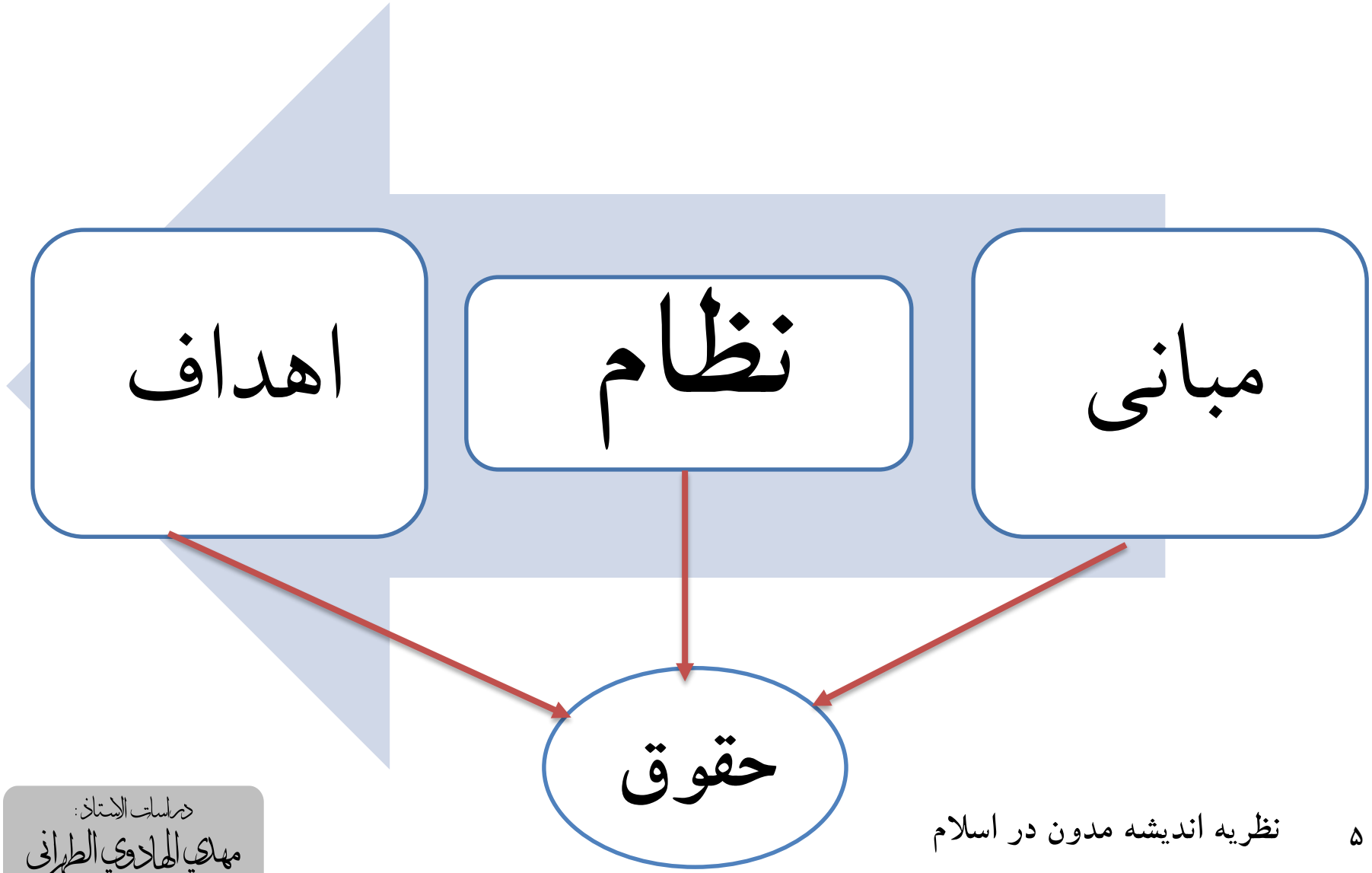

قوانین؛ لایهٔ پیدای دین

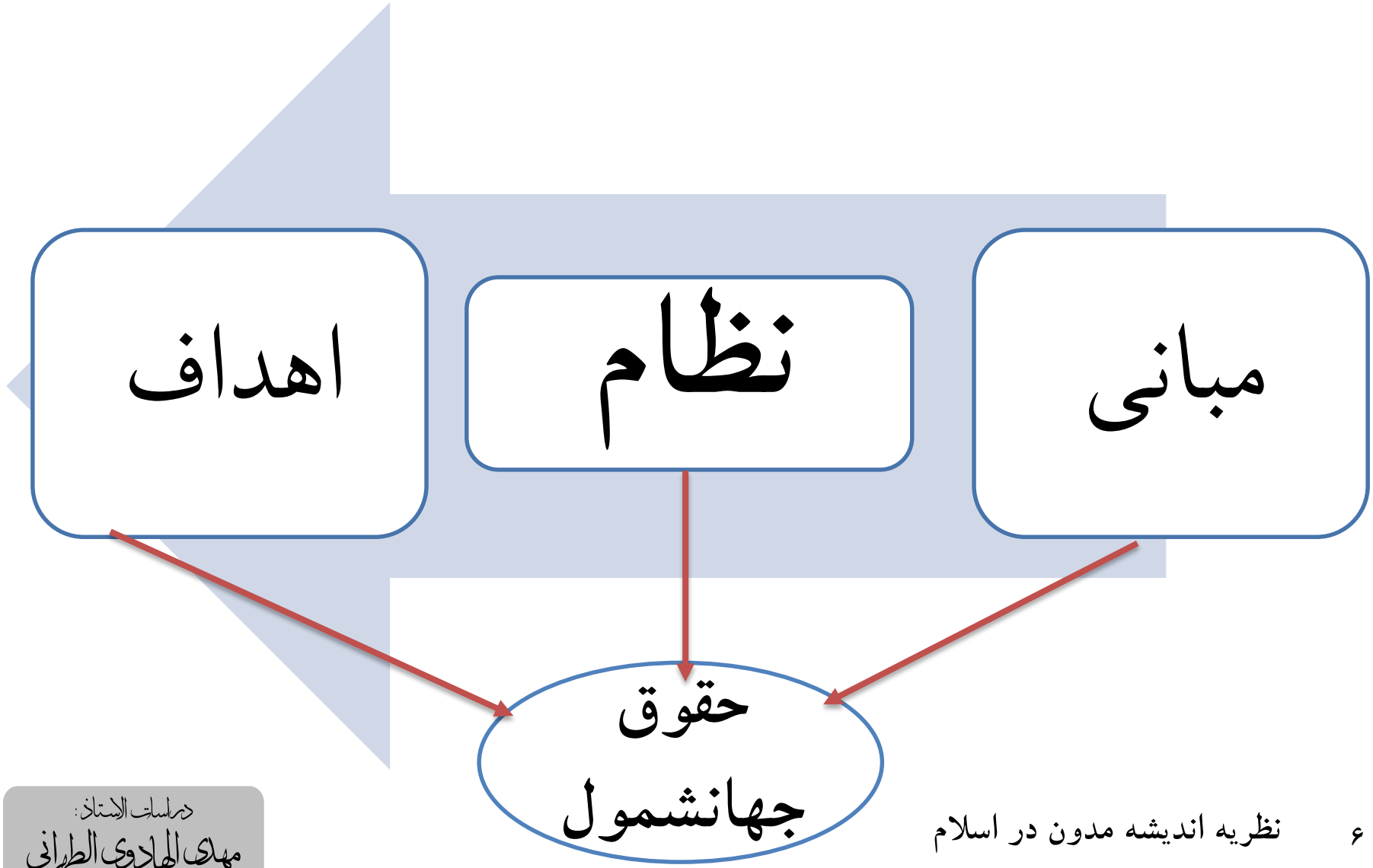

دراسات الاستاذ: مهدي الهادوي الطهراني

قوانین؛ لایهٔ پیدای دین

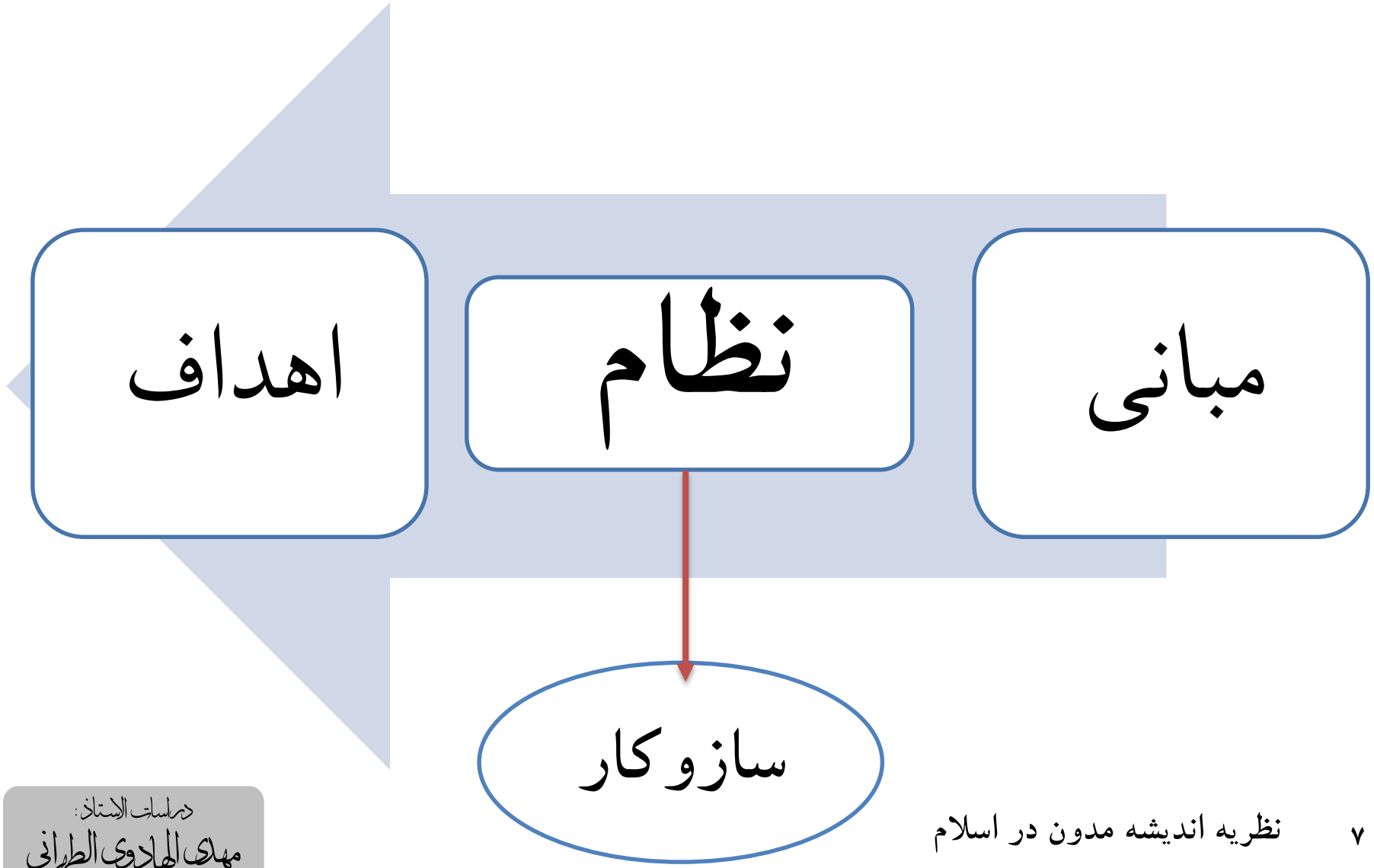

قوانین؛ لایهٔ پیدای دین

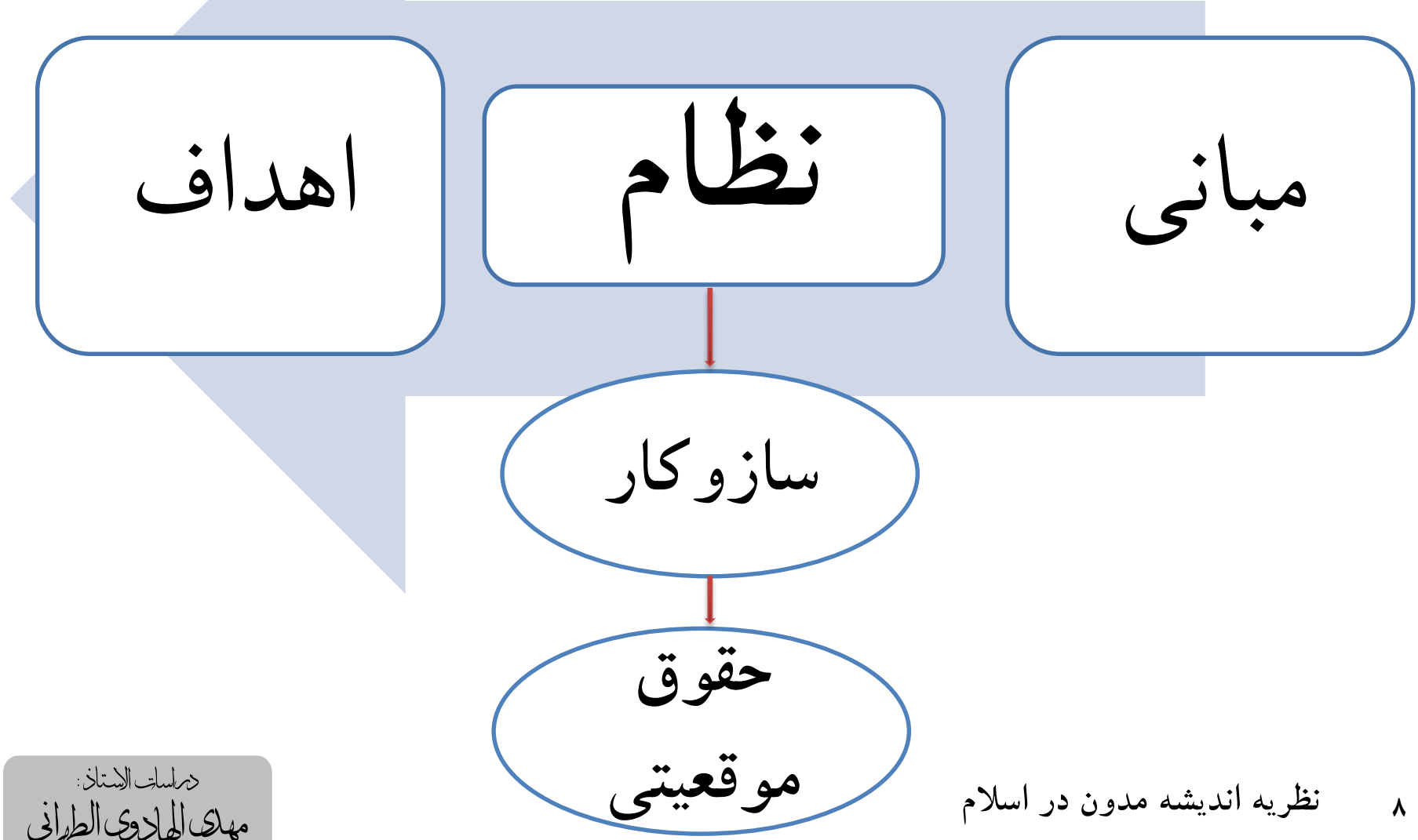

تفاوت نظام و ساز و کار

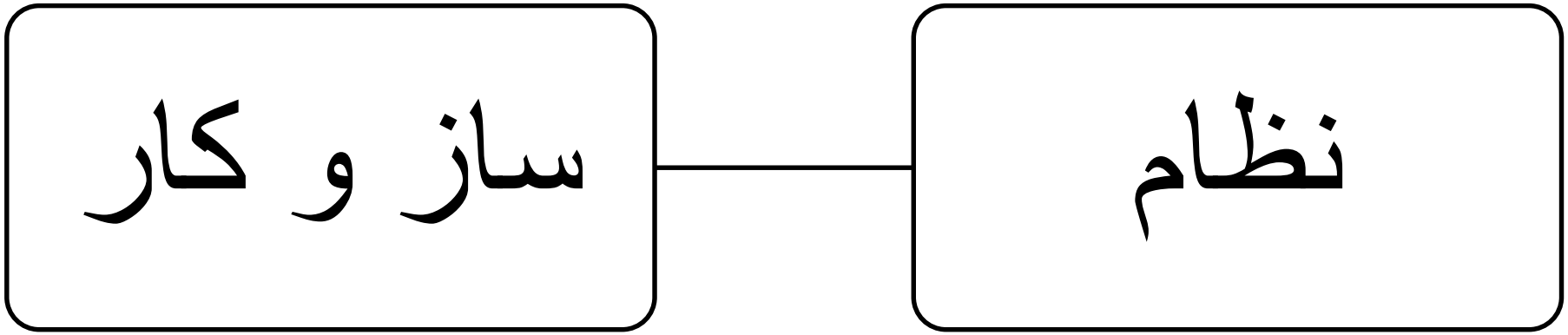

تفاوت نظام و ساز و کار

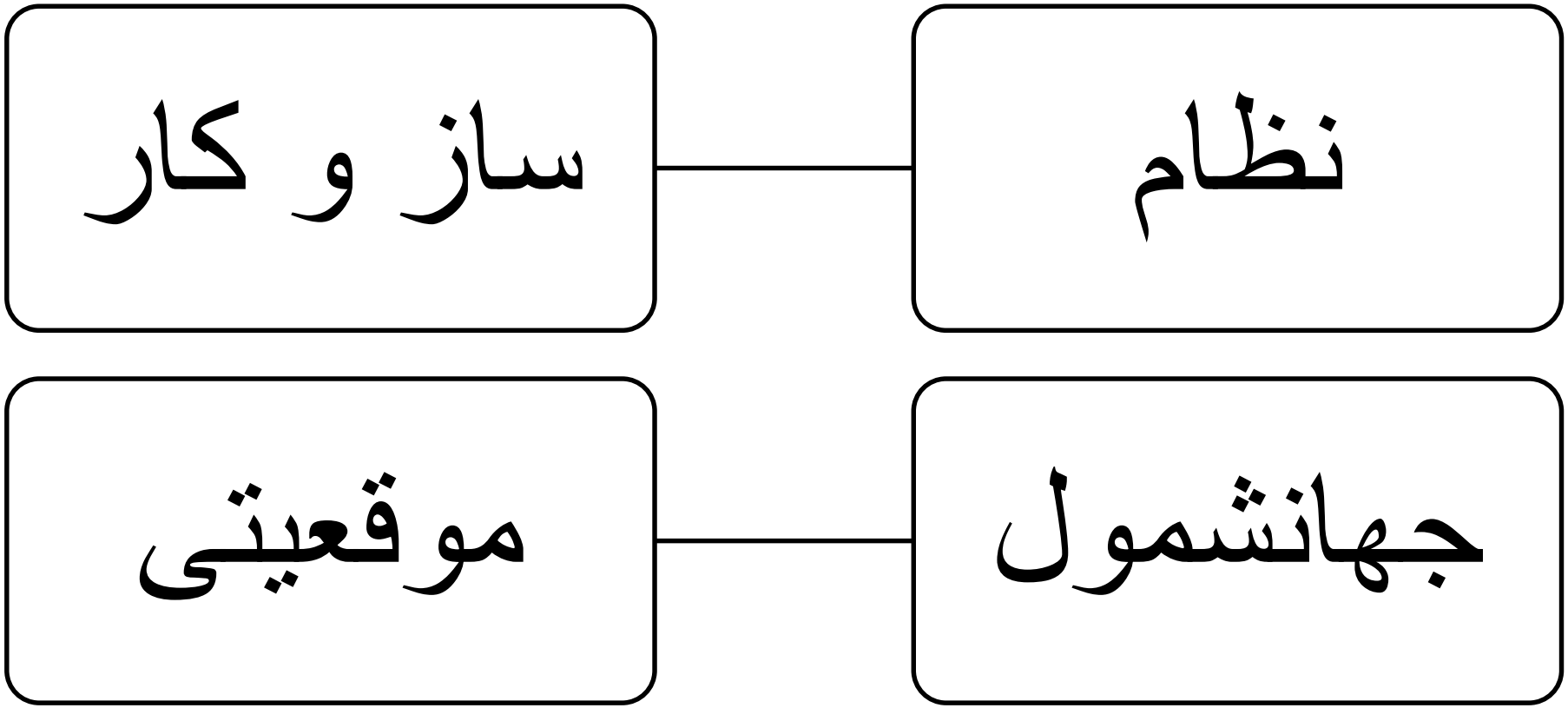

تفاوت نظام و ساز و کار

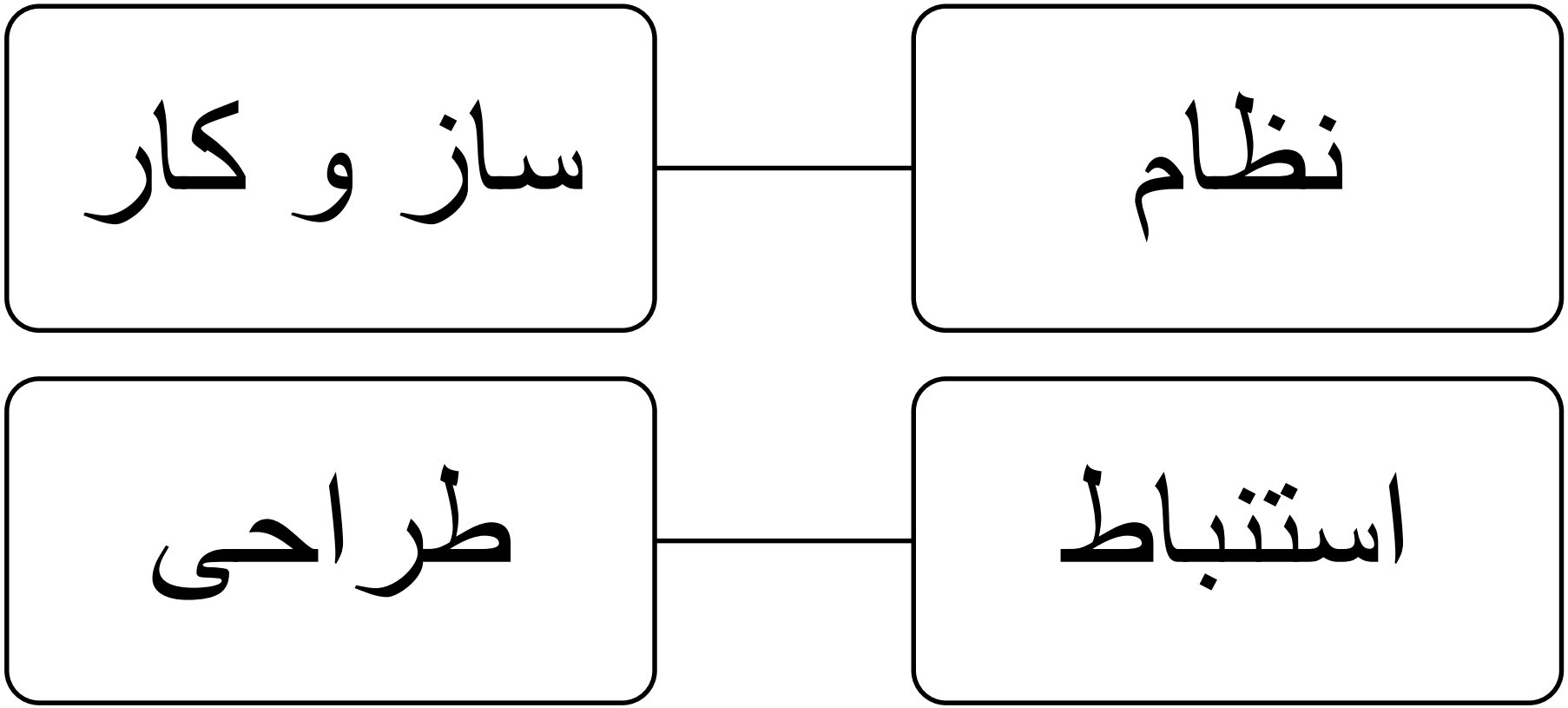

تفاوت نظام و ساز و کار

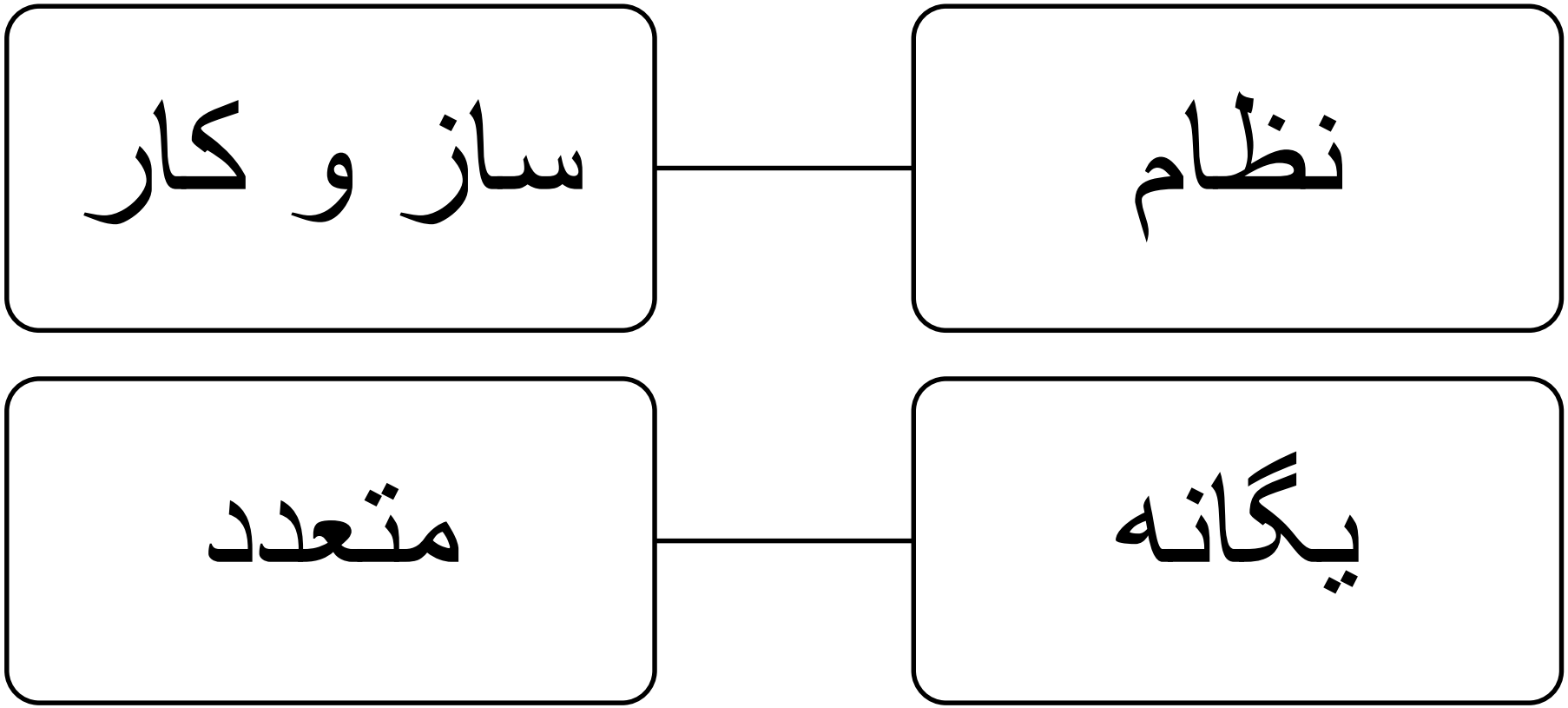

تبیینی از معنای مصلحت

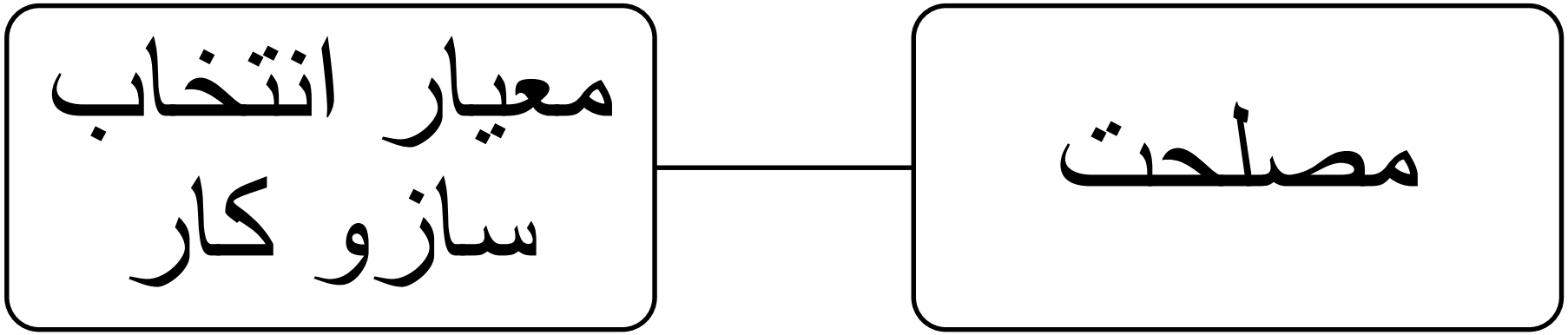

تفاوت نظام و ساز و کار

نظام	ساز و کار
استنباط	طراحی
فقیه	تعامل دانش‌های دینی و دانش‌های بشری

دلیل عقلی ولایت فقیه بر اساس نظریه اندیشه مدون در اسلام

نظام	ساز و کار
استنباط	طراحی
فقیه	وحدت حوزه و دانشگاه

دلیل عقلی ولایت فقیه بر اساس نظریه اندیشه مدون در اسلام

نظام	ساز و کار
استنباط	طراحی
فقیه	تعامل دانش‌های دینی و دانش‌های بشری
مرجعیت أعلم	مراجع فالأعلم و نخبگان طراز اول دانشگاهی

دلیل عقلی ولایت فقیه بر اساس نظریه اندیشه مدون در اسلام

نظام	ساز و کار
استنباط	طراحی
فقیه	تعامل دانش‌های دینی و دانش‌های بشری
ولایت	مجمع تشخیص مصلحت نظام

تبیینی از معنای مصلحت

- مصلحت در اینجا عرض کردم یک معنای خاص غیر سلیقه‌ای می‌شود؛ یعنی ما می‌آییم می‌بینیم از نظر مجموعه اطلاعات و داده‌هایی که داریم و توان علمی که در تحلیل این داده‌ها داریم ببینیم کدام‌یک از این دو در شرایطی که ما در آن قرار داریم در دستیابی ما به نتایج موفق‌تر می‌توانند باشند، با مشکلات کمتری مواجه‌اند، سازگارتر با شرایط‌اند.

تبیینی از معنای مصلحت

- این بار که داریم سنجش می‌کنیم در واقع از این جهت سنجش می‌کنیم که وقتی آن را کشف کردیم... (حالا با همان دانشی که داریم) مثلاً فرض کنید در حوزه سیاسی، دانش‌های سیاسی که داریم، در حوزه اقتصادی، دانش‌های اقتصادی که داریم، طبق آن انتخاب می‌شود.

تبیینی از معنای مصلحت

- سازوکار میدانی است که فقاهت یعنی دانش دینی و دانش روز کنار هم قرار می‌گیرند و یک تعاملی با هم پیدا می‌کنند؛ یعنی وقتی می‌خواهد سازوکار اقتصادی شکل بگیرد، فقه می‌آید کنار دانش اقتصاد قرار می‌گیرد، با همدیگر سازوکار را طراحی می‌کنند.

تبیینی از معنای مصلحت

- اگر می‌خواهد سازوکار سیاسی شکل بگیرد فقه می‌آید کنار دانش سیاسی قرار می‌گیرد و با همدیگر در واقع می‌خواهند سازوکار سیاسی را طراحی و انتخاب کنند.

تبیینی از معنای مصلحت

- آن سازوکار یعنی ما یک سازوکار اقتصادی که طراحی می‌کنیم کاملاً توان دینی خودمان را با توانی که در حوزه علم اقتصاد داریم به کار می‌گیریم؛ یعنی باید به کار بگیریم حالا مقصود از اینکه به کار می‌گیریم نه اینکه حالا ضرورتاً این اتفاق در خارج می‌افتد؛ یعنی باید به کار بگیریم.

تبیینی از معنای مصلحت

- ما هر چه در حوزه اقتصاد بلدیم، هر چه داریم به عنوان دانش با هر چه که در حوزه اقتصاد از دین به دست آوردیم باید این دو تا را در یک تعاملی کنار هم قرار بدهیم که حالا حتی شکل آن تعامل را ما در این بحث‌ها مطرح کردیم که فعلا نمی‌خواهم وارد آن بحث بشوم.

تبیینی از معنای مصلحت

- در تعامل واقعی این دو حوزه دانشی یعنی دانش‌های دینی و دانش‌های بشری است که سازوکارها شکل می‌گیرد و ما مثلاً یک دو سه پنج تا ممکن است سازوکار اقتصادی طراحی کنیم و بگوییم در شرایط ما پنج تا سازوکار معنادار است.

تبیینی از معنای مصلحت

- باید بیاییم از بین این پنج تا سازوکار باز با همان روش‌های دانشی که داریم، با توجه به شناختی که از موقعیت داریم... چون می‌بینید مثلاً دانش‌های روز، دانش‌های بشری دو بخش دارد: یک بخش تحلیل عینیتی است که در خارج هست؛ مثلا اقتصادسنجی.

تبیینی از معنای مصلحت

- در دانش اقتصاد، اقتصادسنجی این کار را انجام می‌دهد؛ یعنی آن واقعیت‌های عینی را برای شما سعی می‌کند نشان بدهد. یک بخش تحلیل این داده‌هایی است که به دست آمده از واقعیت‌های عینی.

تبیینی از معنای مصلحت

- ما بر اساس آن اطلاعاتی که از واقعیت‌های عینی با روش‌های علمی به دست می‌آوریم و تحلیلی که از آن داده‌ها داریم، آن موقع است که می‌توانیم انتخاب بکنیم. ببینیم کدام‌یک از این سازوکارها که فرض این است به لحاظ مبانی دینی همگی مبتنی بر مبانی دینی هستند؛ یعنی از جهت مثلاً به تعبیر اجرایی امروزشان تأیید شورای نگهبان را دارند که با قانون اساسی و شرع سازگارند.

معنایی تازه برای مفاهیم شناخته شده

- معنایی تازه برای مفاهیم شناخته شده
- البته حالا ببینید مثلاً نوع کار شورای نگهبان در این بحث خیلی معنادارتر می‌شود؛ یعنی الان سازگاری با اسلام سازگاری با قانون اساسی یک مفهوم کلی است ولی در اینجا که ما می‌گوییم، معنای سازگاری این است که باید با فلسفه، مکتب، نظام اسلامی سازگار باشد.

معنایی تازه برای مفاهیم شناخته شده

- مبانی‌اش با آن مبانی، اهدافش با آن اهداف، نهادهایی که تعریف می‌کند با آن نهادهایی که در حوزه نظام است و با این‌ها سازگار باشد.

معنایی تازه برای مفاهیم شناخته شده

- علی ای حال اینجاست که ما از یک طرف هم آن مفهوم **مصلحت** را معنادار می‌کنیم و آن را نظام‌مند می‌کنیم و از حالت سلیقه‌ای بیرون می‌آوریم

تبیینی از معنای مصلحت

- بحث مثلاً وحدت حوزه و دانشگاه، همکاری حوزه و دانشگاه و تعابیری از این قبیل در این بحث معنادار می‌شود که اصلاً محدوده همکاری و شکل همکاری کجاست؟

وحدت حوزه و دانشگاه

- بحث مثلاً وحدت حوزه و دانشگاه، همکاری حوزه و دانشگاه و تعابیری از این قبیل در این بحث معنادار می‌شود که اصلاً محدوده همکاری و شکل همکاری کجاست؟

وحدت حوزه و دانشگاه

- بحث مثلاً وحدت حوزه و دانشگاه، همکاری حوزه و دانشگاه و تعابیری از این قبیل در این بحث معنادار می‌شود که اصلاً محدوده همکاری و شکل همکاری کجاست؟

وحدت حوزه و دانشگاه

- و هم مفهوم **همکاری و تعامل دانش‌های دینی و دانش‌های بشری** را از آن حالت خیلی مبهمی که گاهی اوقات برای خیلی‌ها وجود دارد خارج می‌کنیم. اینکه میگویند اصلاً این‌ها چه کار می‌خواهند با هم بکنند؟ و هر کدام کار خودشان را انجام می‌دهند و چه ربطی به هم دارند؟ از آن حالت خارج می‌شود.

وحدت حوزه و دانشگاه

- آنجایی که در واقع این دو تا یعنی دانش‌های بشری به یک معنا و دانش‌های دینی به یک معنا به هم می‌رسند و آن محصولی که به دست می‌آید، محصول هر دوی این‌هاست؛ یعنی میزان تسلط ما بر دانش‌های دینی و میزان تسلط ما بر دانش‌های بشری تأثیر می‌گذارد در نتیجه‌ای که به دست می‌آید.

قوانین؛ لایهٔ پیدای دین

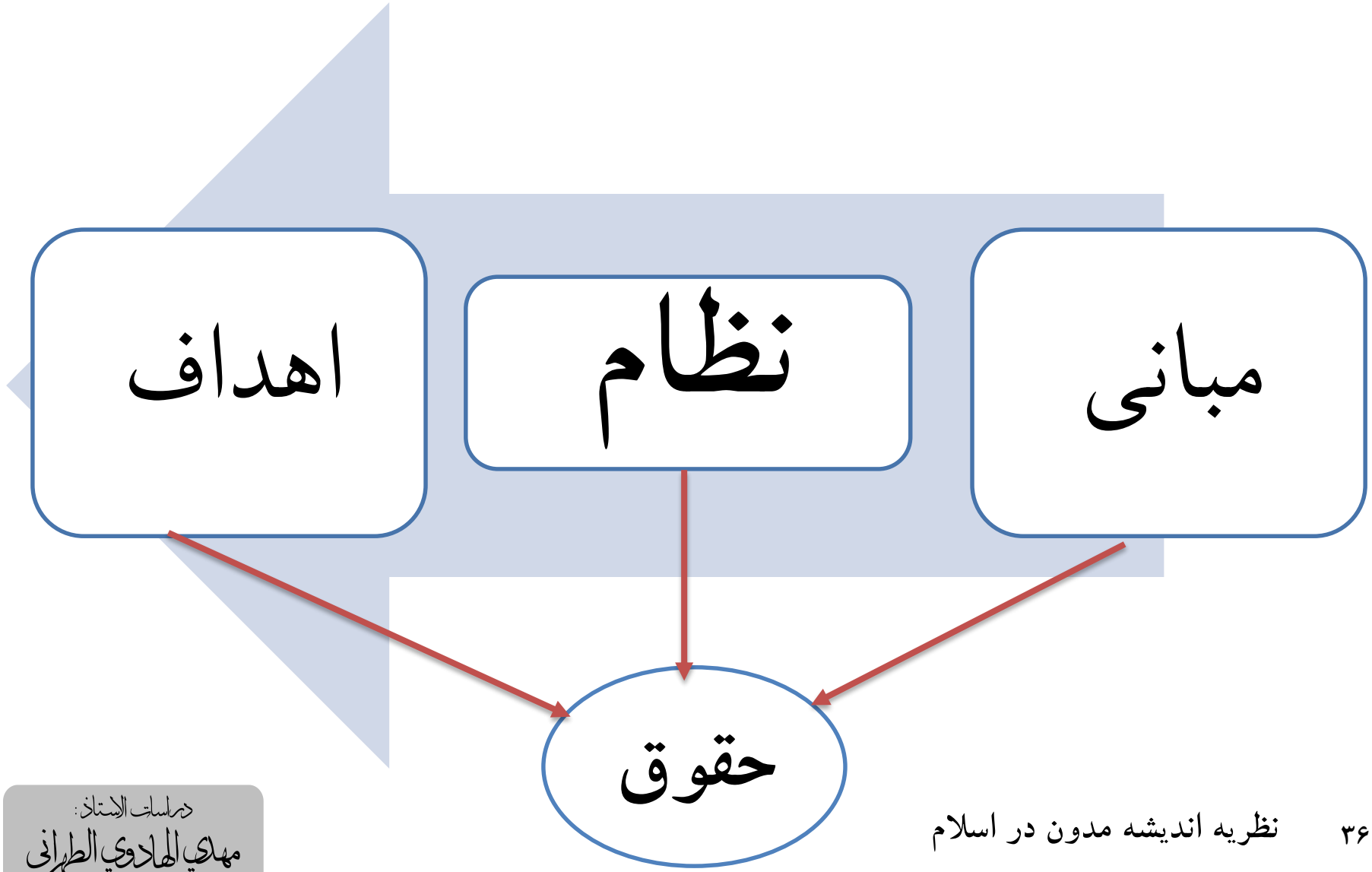

قوانین؛ لایهٔ پیدای دین

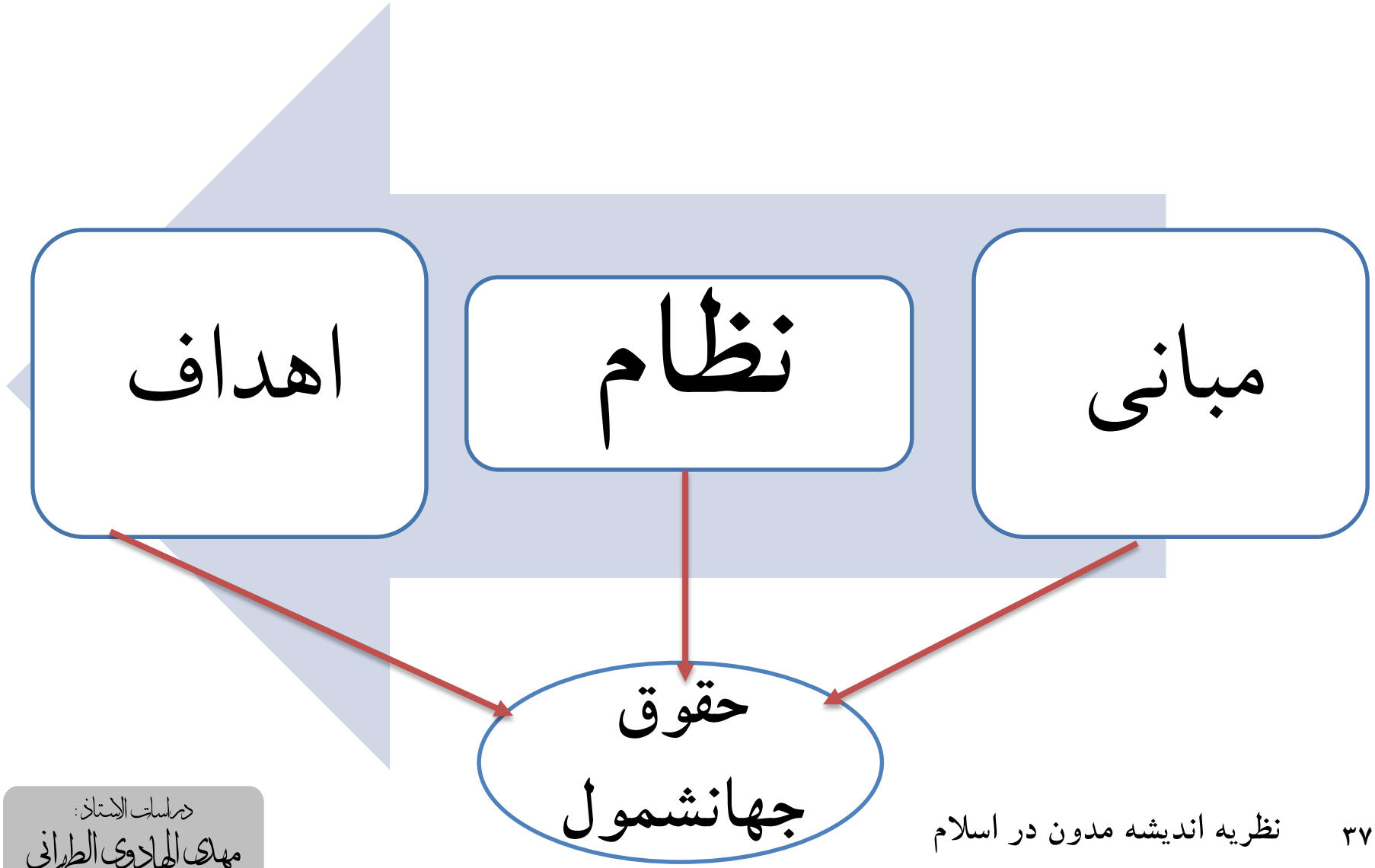

قوانین؛ لایهٔ پیدای دین

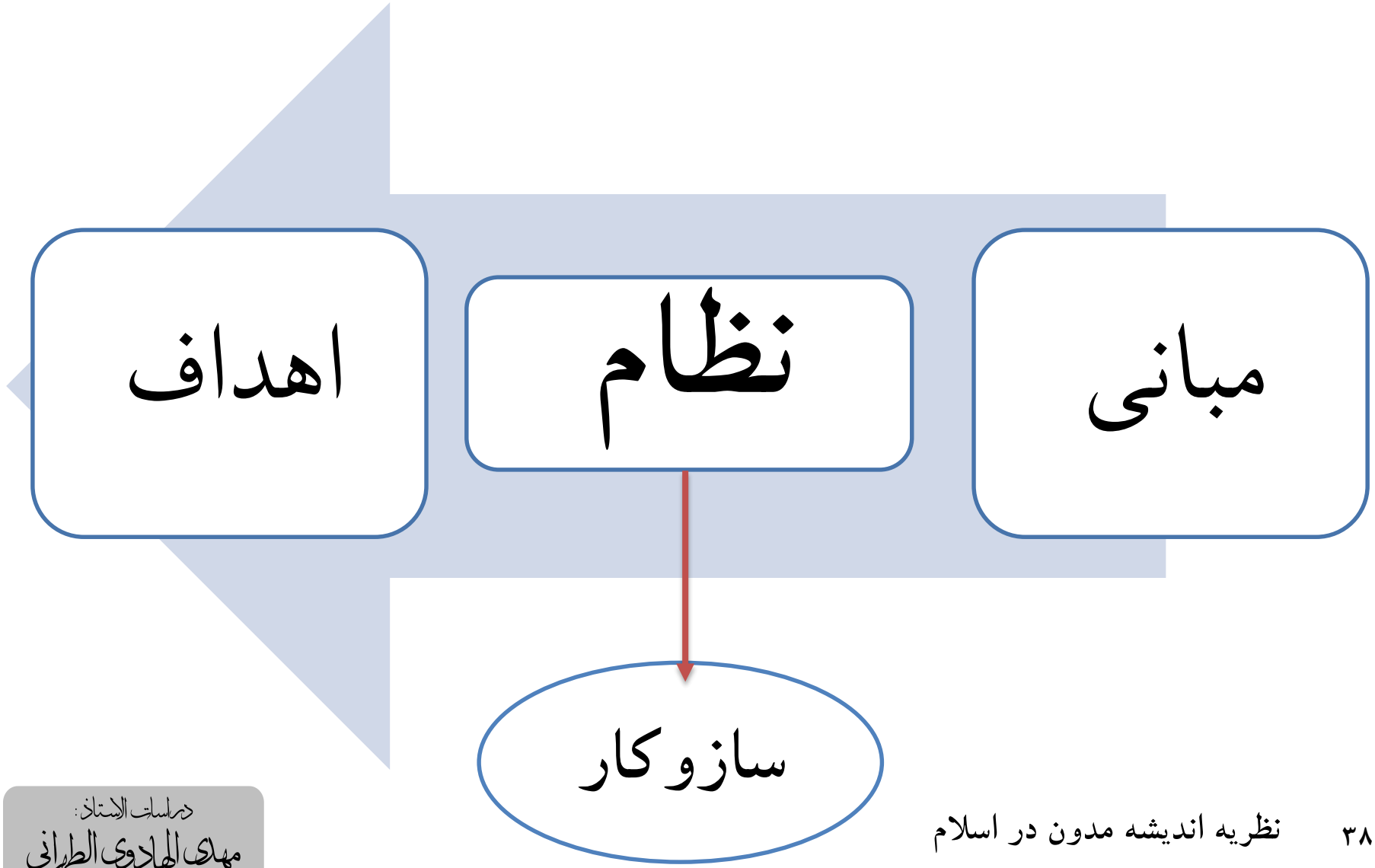

قوانین؛ لایهٔ پیدای دین

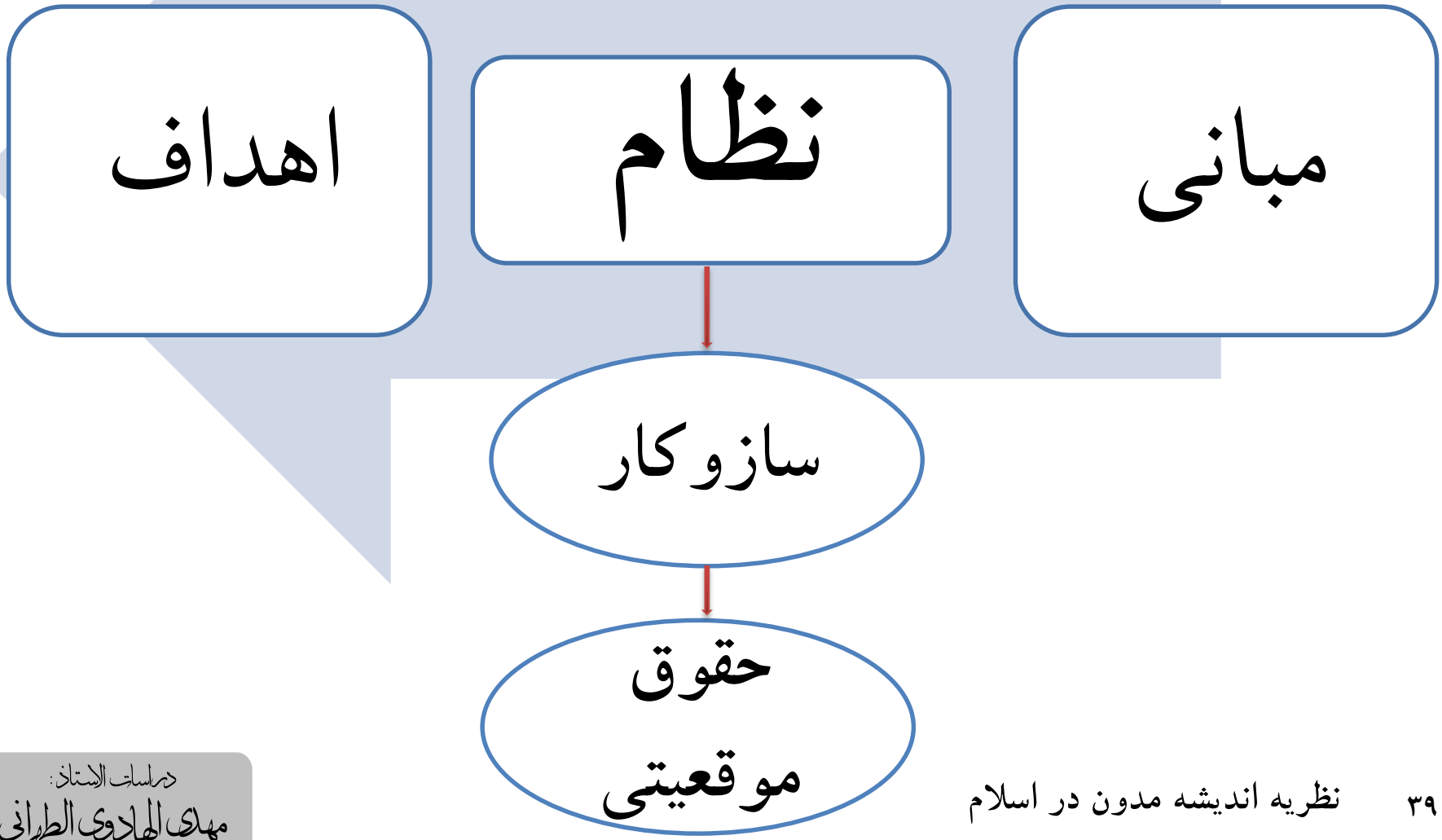

تفاوت حقوق برخاسته از مکتب یا نظام با حقوق برخاسته از سازوکار

- نکته‌ای که در انتهای بحث گذشته فکر می‌کنم به آن اشاره کردیم این بود که وقتی مکتب و نظام و سازوکار می‌خواهند در خارج تحقق پیدا کنند، در قالب یک مجموعه دستورها و روابط حقوقی خود را نشان می‌دهند؛

تفاوت حقوق برخاسته از مکتب یا نظام با حقوق برخاسته از سازوکار

- یعنی آن مبانی مکتب و اهداف مکتب می‌آید و در قالب یک سری حقوق درمی‌آید و آن مفاهیمی که در حوزه نظام است که یک مجموعه نهادها هستند آن‌ها می‌آیند و در مجموع یک سری از حقوق و احکام خود را نشان می‌دهند.

تفاوت حقوق برخاسته از مکتب یا نظام با حقوق برخاسته از سازوکار

- همین‌طور سازوکاری که ما طراحی می‌کنیم نهایتاً وقتی می‌خواهیم اجرا کنیم در قالب یک سری از قوانین و حقوق تحقق پیدا می‌کند.

تفاوت حقوق برخاسته از مکتب یا نظام با حقوق برخاسته از سازوکار

- البته حقوقی که از مکتب یا نظام نشأت می‌گیرند حقوق ثابت یا جهان‌شمول هستند که وابستگی به شرایط ندارند اما آنچه از سازوکار نشأت می‌گیرد (البته آن بخشی از سازوکار که وابسته به شرایط است و الا خود سازوکار که تطبیق عینی نظام است) آن بخشی که مستقیماً از خصوصیت سازوکار نشأت می‌گیرد، متغیر و تابع آن شرایط است.

تفاوت حقوق برخاسته از مکتب یا نظام با حقوق برخاسته از سازوکار

- مثلاً الان قوانین انتخاباتی ما تابع این سازوکار سیاسی است که ما انتخاب کردیم. اگر ما سازوکار سیاسی را تغییر دهیم مثلاً ما سیستم انتخاباتی خود را به سیستم پارلمانی ببریم، قطعاً قوانین انتخاباتی ما عوض می‌شود.

تفاوت حقوق برخاسته از مکتب یا نظام با حقوق برخاسته از سازوکار

- مثلاً فرض کنید حتماً باید کسی که می‌خواهد کاندیدای مجلس باشد عضو یک حزب باشد و آن حزب او را به عنوان کاندیدا معرفی کند و مثلاً کاندیداهای منفرد که خودشان مستقیماً بخواهند بیایند در انتخابات شرکت کنند، مجالی پیدا نمی‌کنند.

تفاوت حقوق برخاسته از مکتب یا نظام با حقوق برخاسته از سازوکار

- در واقع قانون انتخاباتی تغییر می‌کند به تبع تغییری که در سازوکار پیدا می‌شود. چون در واقع این یک امر متغیری است.

تفاوت حقوق برخاسته از مکتب یا نظام با حقوق برخاسته از سازوکار

- اگر سازوکار تغییر کرد قطعاً قوانینی که نشأت‌گرفته از آن سازوکار است تغییر می‌کند اما آن قوانینی که مربوط به مثلاً اصل مکتب سیاسی یا اقتصادی اسلام هستند یا نظام سیاسی یا اقتصادی اسلام هستند، آن‌ها فرقی نمی‌کند.

تفاوت حقوق برخاسته از مکتب یا نظام با حقوق برخاسته از سازوکار

- مثلاً فرض کنید در حوزه اقتصادی اگر ما گفتیم که اسلام به عنوان یکی از مبانی خودش اصل مالکیت و تنوع مالکیت و آزادی فعالیت‌های اقتصادی را می‌پذیرد، قوانین نشأت‌گرفته از این مفاهیم که حامی مالکیت هستند و حامی تنوع مالکیت هستند و حامی در واقع آزادی اقتصادی و آزادی فعالیت‌های اقتصادی هستند، آن قوانین همچنان به حال خود باقی هستند و آن‌ها حقوق ثابت هستند و تغییر نمی‌کند.

تفاوت حقوق برخاسته از مکتب یا نظام با حقوق برخاسته از سازوکار

- بنابراین آن چیزی که به نام احکام نامیده می‌شود و در واقع فقه متعارف به این می‌پردازد، چیزی جز نمود عینی مکتب و نظام و سازوکار نیست.

تفاوت حقوق برخاسته از مکتب یا نظام با حقوق برخاسته از سازوکار

- البته فقه متعارف محدود به حقوق ثابت است چون حقوق متغیر از دایره فقه متعارف خارج است و به عنوان احکام ولایی معمولاً در فقه مطرح می‌شود و استنباط فقیه به این‌ها کاری ندارد.

تفاوت حقوق برخاسته از مکتب یا نظام با حقوق برخاسته از سازوکار

- اما در این سیستم که حالا با این نگاه ما همه این‌ها فقه است. یعنی مکتب و نظام و سازوکار و حقوق چه ثابت و چه متغیر همه به نحوی به فقه مرتبط می‌شود. البته در حوزه سازوکار و حقوق متغیر عرض کردم در واقع تعاملی بین دانش‌های دینی و دانش‌های بشری وجود دارد.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

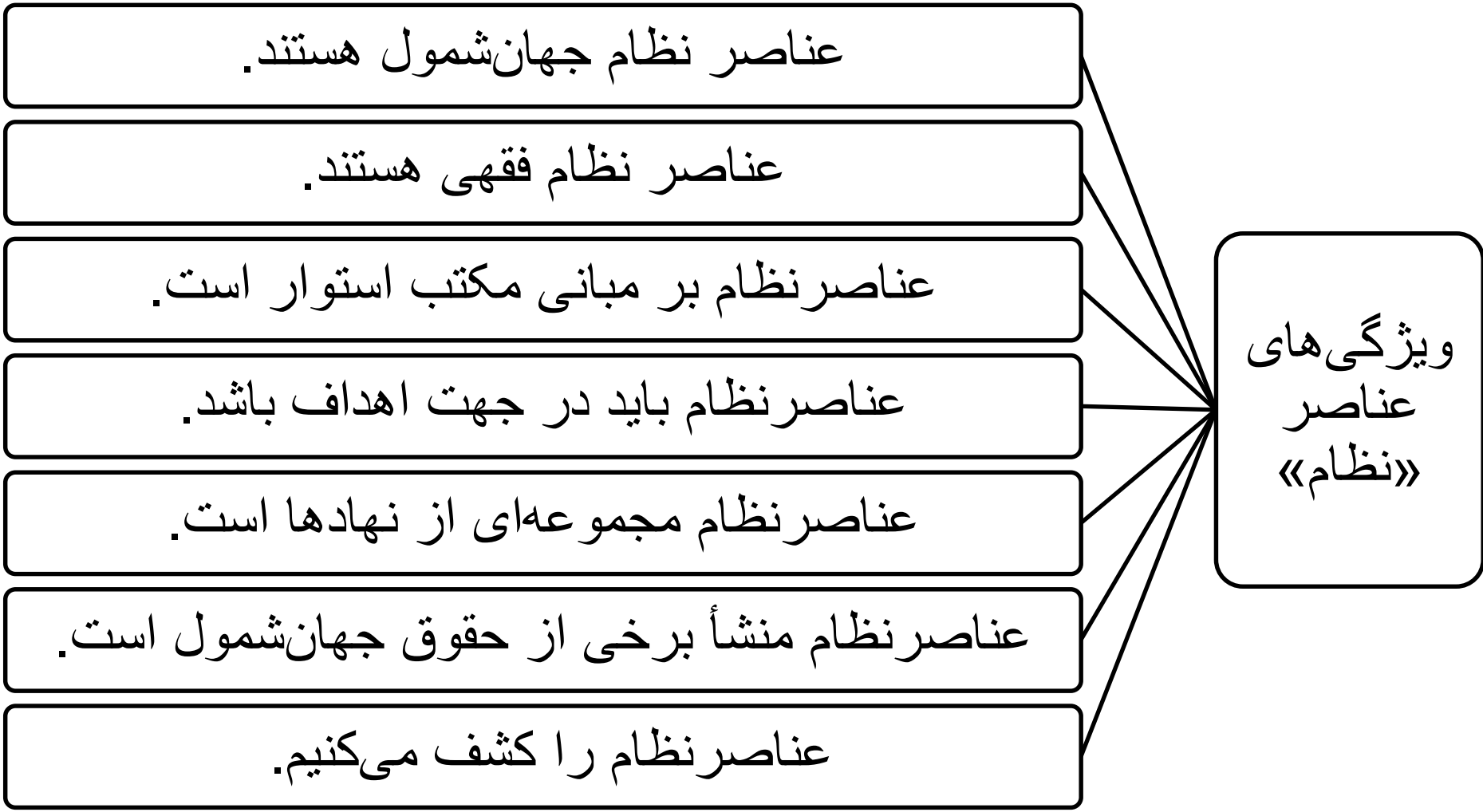

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- ویژگی‌های عناصر «نظام»
  - عناصر نظام جهان‌شمول هستند.
  - عناصر نظام فقهی هستند.
  - عناصرنظام بر مبانی مکتب استوار است.
  - عناصرنظام باید در جهت اهداف باشد.
  - عناصرنظام مجموعه‌ای از نهادها است.
  - عناصرنظام منشأ برخی از حقوق جهان‌شمول است.
  - عناصرنظام را کشف می‌کنیم.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- ویژگی‌های عنصر «نظام»
- از مجموع این مباحث ما یک مجموعه‌ای از ویژگی‌ها را برای نظام به دست آوردیم که در واقع مشخص باشد ما که می‌خواهیم نظام را کشف کنیم، **نظام بالأخص**، همین نظامی که در این مجموعه در عرض مکتب و سازوکار و فلسفه قرار می‌گیرد نه کل این مجموعه را بگوییم نظام که البته آن هم عیب ندارد و یک اطلاق دیگر است که به مجموعه این‌ها بگوییم نظام اقتصادی اسلام یا نظام سیاسی اسلام ولی این نظام به معنای اخص که مورد نظر ماست در این بحث، چند ویژگی برایش در واقع از مجموع بحث به دست می‌آید:

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- ویژگی اول اینکه عناصر نظام جهان‌شمول هستند. همان‌طور که مکرر تأکید کردیم وابسته به شرایط نیستند. نظام امروز و دیروز ایران و عراق و عربستان ندارد. عناصر نظام برای همه زمان‌ها و همه مکان‌ها باید باشد.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- نکته دوم اینکه عناصر نظام فقهی هستند؛ یعنی از قبیل قضایای بایدند و از قبیل نوعی اعتبارند که در آن‌ها اعتبار شارع تأثیر دارد.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- این بحثی که من می‌کنم ثبوتی است. معنای فقهی یعنی در واقع از قبیل اعتبارات شرعی است. این‌ها احکام واقعی هستند. احکام که حالا تعبیر درستی نیست و احکام از نظام نشأت می‌گیرد. خود عناصر نظام حکم به معنای خاص کلمه مَمکن است نباشند.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- بله نکته دیگری که باز به عنوان یکی از ویژگی‌های نظام نتیجه گرفتیم این بود که نظام بر مبانی مکتب استوار است؛ یعنی آنچه که به عنوان مبانی ما در مکتب عرضه می‌کنیم باید با آن چیزی که به عنوان نهاد به عنوان نظام عرضه می‌کنیم که یک مجموعه‌ای از نهادهاست کاملاً سازگاری داشته باشد.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- بعدا در بحث کشف خواهیم گفت که اگر ناسازگاری بین این‌ها باشد ما کشف می‌کنیم که یک جا خطا کردیم یا در کشف مکتب خطا کردیم یا در کشف نظام خطا کردیم اگر در بین آن عناصری که به دست آوردیم ناسازگاری می‌بینیم.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- همچنین باید در جهت اهداف باشد یعنی نظام باید طوری باشد که کارکرد آن نهادها، وقتی کنار هم قرار می‌گیرند و تعاملشان برقرار می‌شود آن موقع نتیجه‌ای که به دست می‌آید در بیرون، اهداف مکتب باشد.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- مثلاً اگر در مکتب اقتصادی گفتیم هدف رفع فقر و تعدیل ثروت است، باید نهادهای نظام اقتصادی که ما کشف می‌کنیم به گونه‌ای باشد که اگر این نهادها درست عمل کنند و روابطش درست طراحی شده باشد نتیجه این باشد که فقر از جامعه زدوده شود و ثروت در جامعه تعدیل شود؛ یعنی فاصله بین فقیر و غنی به فاصله قابل تحملی برسد؛ همان‌طور که بارها اشاره کردیم الآن هم گفتیم.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- آن چه به عنوان ویژگی چهارم مطرح شد این است که نظام مجموعه‌ای از نهادها است. تأکید می‌کنم مقصود من از نهاد ضرورتاً سازمان نیست بلکه مقصود اعم است از سازمان یا یک رفتار تثبیت شده یعنی رفتاری که شارع می‌خواهد این رفتار در جامعه اسلامی به عنوان یک رفتار تثبیت شده شکل بگیرد ولو اینکه در قالب یک نهاد به معنای خاص کلمه باشد، به معنای مثلا یک سازمان نباشد.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- مثال‌هایی قبلاً زدیم مثلاً فرض کنید خود قرض‌الحسنه که شما کمک معوض می‌کنید یعنی کمک می‌کنید و در مقابلش عوضش را می‌گیرید. چون شما قرض می‌دهید و بعد قرض را پس می‌گیرید. خب این نهاد یک نهادِ نهاده که می‌تواند در قالب یک سازمان شکل پیدا کند. مثل اینکه مثلاً بانک‌های قرض‌الحسنه، صندوق‌های قرض‌الحسنه پیدا شوند. ممکن است در قالب یک نهاد اصلاً نباشد؛ مثل آن زمانی که این صندوق‌ها و این بانک‌ها نبودند و اشخاص خودشان به اصطلاح رویه عملی‌شان سنت عملی‌شان در آحاد جامعه اسلامی این بود که اگر یک کسی یک پول اضافه‌ای داشت به دیگران قرض می‌داد که کار آن‌ها باز شود، گره کارشان و بعدش هم متوقع سود نبود. چون ربا در سیستم اقتصادی اسلام حرام بود.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- قرض‌الحسنه می‌تواند به صورت یک رفتار تثبیت شده در جامعه وجود داشته باشد و ضرورت ندارد حتماً در قالب یک سازمان یک صندوق قرض‌الحسنه یا بانک شکل بگیرد.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- نکته پنجم که به عنوان ویژگی چهارم مطرح شد همین است که الآن اشاره کردیم که نظام در واقع منشأ برخی از حقوق جهان‌شمول است. البته برخی از حقوق جهان‌شمول چون برخی از حقوق مستقیماً از مکتب نشأت می‌گیرند.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- برخی از حقوق جهان‌شمول زیربنای نظام است که حالا این خودش یک راهی می‌شود برای کشف که ما می‌توانیم در این بحثی که آقای صدر مطرح کرده... آقای صدر فقط به این نکته البته حالا نه در بحث نظام. ایشان که اصلاً مفهوم نظام را در مفاهیم بحث خودش مطرح نکرده. آن‌چه که آقای صدر مطرح کرده عمدتاً راجع به مکتب بوده؛ یعنی آن‌چه که مثلاً در اقتصادنا آقای صدر است، کل اقتصادنای آقای صدر در واقع بیان مکتب اقتصادی اسلام است.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- اصلاً صحبتی از نظام به این معنایی که ما می‌گوییم نکرده البته گاهی از اوقات اسم مکتب را آقای صدر بر نظام اطلاق کرده. آن بحث هست ولی چیزی به نام نظام به این معنایی که ما می‌گوییم ایشان بحث نکرده. برای همین وقتی کتاب من ده دوازده سال پیش منتشر شد و من این کتاب را به آقای آیت‌الله حائری استاد بزرگوار بنده و شاگرد برجسته شهید صدر بسم‌الله علیه دادم. بعداً آقای حائری به بنده می‌فرمود بعد از آقای صدر این کتاب شما یک مطلب جدیدی اضافه کرده. ایشان هم تعجب کرده بود. ایشان می‌گفت آن بحثی که شما راجع به نظام کردید در آخرین بخشِ کتاب در واقع به تبیین نظام اقتصادی اسلام پرداختید، چیزیست که اصلاً شهید صدر به آن نپرداخته.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- شهید صدر اصلاً نسبت به این بحث توجهی نداشته اما در بحث مکتب ایشان به این نکته توجه کرده که عناصر مکتب در قالب حقوق خودشان را نشان می‌دهند. البته آقای صدر به نظریه حقوق ثابت و متغیر هم توجه نداشته. ایشان همه احکام حقوقی را ثابت می‌دیده یعنی آن دیدگاهیٍ را که شهید مطهری رضوان‌الله علیه مطرح کرده. البته این دیدگاه قبلاً در بین فقهای ما بوده نه اینکه شهید مطهری مبدع آن باشد ولی شهید مطهری این را در قالب یک نظریه مطرح کرده. آن را اصلاً آقای صدر یا نادیده گرفته یا قبول نداشته که ما احکام متغیر داشته باشیم.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- بنابراین از منظر آقای صدر حقوق، فقط حقوق ثابت است و فقط به مکتب هم ایشان توجه دارد. در همین بحث ایشان وقتی می‌خواهد راه کشف مکتب را بحث کند می‌گوید راهش این است که ما برویم حقوق را استنباط کنیم چون زیربنای این حقوق مکتب است از طریق حقوق برویم مکتب را کشف کنیم یعنی به تعبیری از طریق روبنا پی ببریم به زیربنا که خود ایشان کاری که در اقتصادنا انجام داده همین است.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- در بخش دوم اقتصاد که آقای صدر در واقع به کشف مکتب اقتصادی اسلام پرداخته به همین روش عمل کرده یعنی آمده از روی احکام سعی کرده عناصر مکتب را به دست بیاورد. حالا ما در این بحث ویژگی‌های نظام به این نکته تأکید داریم که نظام (حالا به معنایی که ما می‌گوییم) مثل مکتب زیربنای برخی از حقوق است و این در کشف می‌تواند مؤثر باشد. یعنی یکی از راه‌هایی که آقای صدر گفته هست که ما از طریق احکام بتوانیم عناصر نظام یا عناصر مکتب را کشف کنیم.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- آخرین نکته در مورد نظام این است که بعضی‌ها این بحث را خیلی زیاد به آن پرداختند که نظام چیزی است که ما می‌سازیم. اصلاً در اسلام نظام وجود ندارد. ادعای ما در بحث نظریه اندیشه مدون درست عکس این است که نظام وجود دارد واقعاً هست، ما نظام را کشف می‌کنیم نه اینکه ما نظام را بسازیم. بله ساز و کار را ما طراحی می‌کنیم بر اساس نظام و واقعیت‌های عینی اما خود نظام کشف می‌شود یعنی در اسلام واقعاً فلسفه دارد اقتصاد نه اینکه ما فلسفه می‌بافیم.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- در اسلام واقعاً اقتصاد مکتب دارد یعنی شارع مبانی و اهداف دارد. در اقتصاد واقعاً اسلام نظام دارد یعنی واقعاً خود اسلام آمده نهادهایی را تعریف کرده در حوزه اقتصاد یا سیاست یا غیره که بر اساس مبانی که در مکتب مثلاً اقتصادی وجود دارد ما به اهداف مکتب اقتصادی برسیم. ما این‌ها را کشف می‌کنیم نظام را ما نمی‌سازیم. بعضی‌ها می‌گویند نظام یک امر انتزاعی است ما آن را می‌سازیم. نخیر نظام را ما کشف می‌کنیم. البته ممکن است مثل هر کشفی خطا کنیم. آن بحث دیگری است. همچنان که در کشف احکام ممکن است خطا کنیم، در کشف نظام یا مکتب هم ممکن است خطا کنیم ولی ما نظام را کشف می‌کنیم نه اینکه نظام را بسازیم.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- این بحث مقدمه‌ای بود که ما می‌خواستیم بگوییم تا برسیم به بحث کشف. چون ما کل بحثمان مربوط به کشف نظام است. آن مقدمه تمام شد. بحث کشف نظام را ان‌شاءالله از جلسه بعد که بعد از تعطیلات دهه محرم ان‌شاءالله خواهد بود آن را پی خواهیم گرفت که روز بیست و سوم فکر می‌کنم آذر می‌شود نوزده آذر شنبه است که درس ما شروع می‌شود چهارشنبه است. فکر می‌کنم بیست و سوم باشد که دو هفته درس ما تعطیل است. ان‌شاءالله بعد از دو هفته ما این بحث را ادامه خواهیم داد. من خواهشم از دوستان این است چون این بحث‌ها خیلی انتزاعی است به یک معنایی علیرغم اینکه حالا من سعی کردم خیلی مثال بزنم و به هر حال ممکن است بعضی جاهایش یک مقداری فهمش گاهی اوقات مشکلاتی داشته باشد. همان‌طور که مثلاً علی‌رغم اینکه حضرت آقا خیلی سعی کردند این را خیلی توضیح دهند در آن دانشگاه رازی. خیلی هم سطحی بحث را از حالت انتزاعی و تئوریک آوردند به سطح پایین اما باز هم سر و صدا راه افتاد و جار و جنجال رسانه‌ها راه افتاد.

ویژگی‌های عنصر «نظام»

- هنوز هم بعضی‌ها اصلاً نفهمیده‌اند ایشان چه گفته. فکر کردند ایشان آمده آنجا مثلا یک شعار سیاسی می‌خواهد بدهد برای انتخابات سال نود مثلاً. ایشان دارد مقدماتی را درست می‌کند برای اینکه در انتخابات سال نود مثلاً کاری انجام دهند. نفهمیده‌اند ایشان چه کاری می‌خواهد بکند حالا این بحث البته یک قسمتش می‌خواهم بگویم طبیعی بود؛ یعنی این بحث یک کمی مشکل است. هرچند آن‌هایی که نفهمیده‌اند ظاهراً قصد داشتند نفهمند.
- مشکل دیگر این بحث هم این است که این بحث مماثل ندارد؛ یعنی این‌طوری نیست که مثلا در کتاب دیگری جایی باشد و بتوان پیدایش کرد ولی در کتاب‌های من هست. کتاب‌های من را دوستان ببینند، مکتب و نظام اقتصادی را کتابش را اگر کامل بخوانید خب خیلی کمک می‌کند که یک مقداری مفاهیمی که ما داریم بحث می‌کنیم فهمیده شود. یک کمی نزدیک شود که ان‌شاءالله از جلسه بعد وارد شویم در بحث مراحل دستیابی به عناصر نظام که حالا این بحثش ان‌شاءالله جلسه آینده و سلام علیکم و رحمه الله.